

موانع و راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله محسنی (ره)

دکتر عبدالقیوم سجادی *

چکیده

تقریب مذاهب اسلامی از مباحث مهم و حیاتی زمانه ماست. علیرغم تلاش‌های نظری و عملی ممتد هنوز هم این مسئله با برخی چالش‌ها و موانع جدی روبرو می‌باشد. نظریه‌پردازی در مورد تقریب مذاهب اسلامی باید از مرز ضرورت و زمینه عبور نموده و به راهکارهای عملی و تطبیق این نظریه بیانجامد. از نظر منطقی شناسایی موانع تقریب مقدم بر هر نوع پیشنهاد و راهکار عملی برای تحقق تقریب مذاهب اسلامی است. این نوشتار با استناد به دیدگاه‌ها و نظریات حضرت آیت الله محسنی تلاش می‌کند تا ضمن شناسایی چالش‌ها و موانع تقریب به طرح راهکارهای عملی جهت تحقق این مهم پردازد. از منظر ایشان فقدان فهم علمی و منطقی از شریعت اسلامی، جهالت و تعصب مذهبی و دسایس پیدا و پنهان دشمنان امت اسلامی به عنوان مهم‌ترین موانع تقریب عنوان گردیده است. در مورد راهکارها نیز ایشان فهم و تبیین علمی گفتمان اسلامی، ترویج و تبلیغ باورهای مذهبی مشترک و احترام به تنوع دیدگاه‌های اجتهادی مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تقریب مذاهب اسلامی، اخوت اسلامی، موانع تقریب، راهکارهای تقریب

مقدمه

بحث ضرورت و اهمیت تقریب مذاهب از دیرباز توسط عالمان دینی و فقهای مسلمان مطرح گردیده است. تلاش‌های فکری و فرهنگی ارزشمندی نیز در این راستا انجام یافته که البته با برخی برکات و نتایج مثبت نیز همراه بوده است. امروزه با ظهور جریان‌های افراطی و تکفیری که آتش نفاق را در میان امت اسلامی شعله‌ور می‌سازند، بحث تقریب مذاهب اسلامی، تقویت اخوت و برادری اسلامی و جلوگیری از نفاق و منازعات مذهبی در جهان اسلام به‌ویژه در کشور اسلامی ما، از مهم‌ترین مسئولیت‌های عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان است. آیت‌الله محسنی که خود از پرچم‌داران اندیشه تقریبی است، علاوه بر اینکه ضرورت و اهمیت تقریب مذاهب اسلامی را مورد تأکید قرار می‌دهد، در مورد شناسایی موانع تقریب نیز مباحثی را مطرح نموده‌اند. وی علاوه بر طرح و تبیین عالمانه موانع تقریب به ارائه راهکارهای علمی و عملی مؤثر در زمینه پرداخته که بدون شک از برکات اندیشه‌های تقریبی این فقیه مجاهد و صاحب‌نظر محسوب می‌شود. بررسی موانع و راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی از دیدگاه ایشان موضوع نوشتار حاضر است.

۱- موانع تقریب مذاهب اسلامی

در کنار تمهیدات نظری لازم برای تقریب مذاهب اسلامی شناسایی و فهم موانع تقریب، از ضرورت‌های مهم برای ارائه راهکار عملی در این زمینه است. هر چند اکثر اندیشمندان مسلمان که به بحث تقریب پرداخته‌اند، موانع تحقق تقریب را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما در این میان آیت‌الله محسنی که از پیشگامان تقریب در جهان اسلام و افغانستان محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای خاص این مسئله را مورد بحث و بررسی قرار داده است. از دیدگاه ایشان فقدان فهم و شناخت علمی، جهالت و تعصب مذهبی، ناآگاهی توده‌های مردم، شهرت طلبی و سوءاستفاده ملاحی کوتاه‌فکر و کم‌سواد و مداخلات ویرانگری‌گنانگان و استعمارگران از مهم‌ترین موانع تقریب مذهبی است. وی معتقد است که تفریق و تخریب خارجی، کوتاه‌نظری عالمان مذهبی کوتاه‌نظر و کم‌سواد، شهرت طلبی‌های فردی و گرفتن پول از بیگانگان با هدف ایجاد نفاق مذهبی از

مهم‌ترین موانع تقریب مذاهب اسلامی است (محسنی، ۱۳۸۷، ۱۰۹). در این میان تعصب و لجاجت خام و کورکورانه که خود معلول جهالت مذهبی است، از موانع تقریب مذاهب اسلامی است.

۱-۱. فقدان فهم علمی

تقریب مذاهب اسلامی تنها در رویکرد اجتهادی امکان‌پذیر است. اجتهاد عنصر پویا و بالنده برای فهم و استنباط خردگرایانه و مستند شریعت اسلامی است. در رویکرد اجتهادی آنچه که فقهای مسلمان و عالمان دینی مطرح می‌کنند، رأی و نظر مجتهد و فقیه نه حکم قطعی خداوند بلکه نظر و برداشت وی از منابع اسلامی؛ قران و سنت است. این برداشت بر اساس اصل خطاپذیری اجتهاد با احتمال صواب و خطا همراه می‌باشد. اصل خطاپذیری اجتهاد با استناد به قران و سنت مورد توافق اکثر عالمان دینی شیعه و سنی است. مثبت بودن طرح دیدگاه‌های اجتهادی مختلف و انتخاب بهترین نظریه و سخن برگرفته از حکم صریح قران است که به مؤمنان دستور می‌دهد تا سخنان و دیدگاه‌های مختلف را بشنوند و از میان همه بهترین سخن و نظر را انتخاب نمایند.^۱ خطاپذیری در اجتهاد نیز با استناد به حدیث مورد توافق شیعه و سنی اصل مورد توافق میان همه فقهای اسلامی است. حدیث منقول از نبی گرامی اسلام که برای دیدگاه صواب اجتهادی دو پاداش معنوی و الهی و برای نظریه خطا یک اجرا را مطرح می‌کند^۲، صریح‌ترین و روشن‌ترین دلیل برای خطاپذیری اجتهاد و نظریه پردازی دینی است.

برداشت ظاهرگرایانه و جزم‌گرایانه از شریعت اسلامی علاوه بر اینکه اجتهاد فقهی را با امتناع روبرو می‌سازد، بر انحصار حقیقت و نفی دیدگاه‌های اجتهادی متفاوت می‌پردازد. از درون انحصار حقیقت حقانیت مطلق خود و باطل خواندن دیدگاه‌های مخالف متولد می‌شود. نتیجه و پیامد مستقیم و روشن این رویکرد عدم پذیرش احتمال حقانیت دیگران و در نهایت انسداد باب گفتگو و تعامل علمی و مذهبی است. انحصار حقیقت معلول فقدان درک و شناخت علمی و خردگرایانه از شریعت اسلامی است. این دیدگاه در نهایت

۱- فیشر عبادی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه. الزمر/۱۸.

۲- للمصیب اجران و للمخطی اجرا واحد. حدیث منقول از طریق شیعه و سنی در مورد خطاپذیری اجتهاد فقهای مسلمان است.

دیدگاه‌های اجتهادی مخالف را فاقد بهره‌ای از حقیقت شرعی و دینی تلقی نموده و در فرجام به نفی تقریب میان مذاهب اسلامی و گاه به تکفیر پیروان دیگر مذاهب منجر می‌شود. دیدگاه منفی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی معلول فقدان شناخت جامع و علمی از شریعت اسلامی است. این دیدگاه ضمن غیردینی خواندن دیدگاه اجتهادی دیگر مذاهب اسلامی، به توهین، بدگویی و حتی تکفیر پیروان مذاهب اسلامی می‌انجامد. این در حالی است که اصل اولی تقریب مذاهب اسلامی احترام گذاشتن به دیدگاه دیگران، اجتناب از توهین و بدگویی رهبران مذهبی است. به گفته آیت‌الله محسنی معنای تقریب مذاهب اسلامی اجتناب از بدگویی علیه رهبران مذهبی و اهانت به پیروان مذاهب اسلامی است و این امر از پیش شرط‌های تقریب مذاهب اسلامی محسوب می‌شود (محسنی، ۱۳۸۶، ۶۳). به گفته ایشان بهترین زمینه اتحاد احترام به مذاهب و عقاید همدیگر و اجتناب از تحریک عواطف و احساسات است (محسنی، ۱۳۸۲، ۳۴).

نبود فهم جامع و عقلانی از شریعت اسلامی باعث می‌شود که اشتراکات مذاهب اسلامی و اصول مشترک میان مذاهب اسلامی نادیده گرفته شود و تفاوت در فروع فقہی برجسته شود. عالم دینی جزم‌گرا و مطلق‌گرا، تقریب مذهبی را در حد توهم و خیال بی‌بنیاد تقلیل می‌دهد. در این تلقی تفاوت در فروع فقہی به جای اختلاف در اصول دین و ستون اساسی اسلام ارتقاء می‌یابد. این در حالی است که اختلاف در امور فرعی و اجتهادی در شریعت اسلامی رسمیت یافته و باید مورد احترام پیروان مذاهب اسلامی قرار گیرد. در اندیشه اسلامی پیروی از تعالیم الهی و دستورات حضرت نبی گرامی اسلام محور مشترک اخوت اسلامی است که پیروان مذاهب اسلامی را ذیل عنوان امت واحده اسلامی هویت واحد و یکپارچه می‌بخشد^۱. به گفته آیت‌الله محسنی هدف طرفین (شیعه و سنی) پیروی از حضرت ختمی مرتبت است که شیعه از مسیراهل بیت در این راستا حرکت می‌کند و اهل سنت از مسییر صحابه، پس هدف یکی است (همان، ۳۷). شناخت دقیق و درست شریعت اسلامی کمک می‌کند تا پیروان مذاهب اسلامی به این درک مشترک دست یابند که با وجود اصول اعتقادی مشترک تفاوت‌های فقہی در مسائل فرعی هیچ‌گاه باعث

۱ - قرآن کریم در این زمینه همه مسلمانان را بر محور اندیشه توحید و اطاعت از خداوند واحد و لاشریک، امت واحده خطاب نموده می‌فرماید؛ ان هذه امتکم امت واحده وانا ربکم فاعبدون . سوره انبیاء / ۹۲.

جدایی امت واحده اسلامی نمی‌گردد. دقیقاً به همین دلیل "فتوای صحت انحصاری عمل بر اساس مذاهب چهارگانه اهل سنت هیچ دلیل معتبری ندارد و برخی از عالمان اهل سنت بر مجزی بودن عمل مطابق مذهب امامیه فتوا داده‌اند. امام جعفر صادق استاد ابوحنیفه و در مسائل فقهی افضل و اعلم بوده است. با این همه باید برای مذاهب اسلامی احترام گذاشت و باید عمل به هر یک از مذاهب اسلامی را مجزی تکلیف شرعی دانست (محسنی، همان، ۴۸).

به باور آیت الله محسنی قران و سنت دو میراث ارزشمند و دو منبع گران سنگ فهم و شناخت تعالیم اسلامی است که همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی بدان ایمان دارند. اما دانشمندان مسلمان به دلیل تفاوت مراتب علمی و ذوق اجتهادی فهم یکسان و مشترک از قران و سنت نداشته بلکه هرکدام برداشت‌ها و تفاسیر مختلفی از شریعت اسلامی را مطرح نمودند که در نتیجه آن مذاهب متعددی اسلامی شکل گرفته است (محسنی، ۱۳۸۶، ۱۰۸). به بیان دیگر تأسیس مذاهب اسلامی اصولاً امر اجتهادی و ناشی از تفاسیر و برداشت‌های متفاوت از قران و سنت نبودی است. از این رو اختلاف نظر در مباحث فقهی و فروع دینی میان دو مذهب شیعه به تفاوت در اجتهادات فقهی برمی‌گردد. این در حالی است که همه مذاهب اسلامی مصدر بودن قران و سنت را قبول دارند، اما به دلیل برداشت‌های متفاوت اختلاف نظر وجود دارد و این امر طبیعی است (همان، ۳۲۰). تفاوت در فتاوی فقهی و برداشت‌های متفاوت از شریعت اسلامی نزد همه عالمان دینی مشروع و مقبول بوده و هیچ‌گاه باعث اختلاف و نفاق اجتماعی میان مسلمانان نیست. اما تبدیل این تفاوت نظر اجتهادی به امر مناقشه ساز و جنجال برانگیز توسط افراد ناآگاه و یا شرور صورت می‌گیرد که وظیفه همه پیروان مذاهب اسلامی کنترل و جلوگیری این افراد می‌باشد. "اختلاف فتوایی در اسلام مشروعیت دارد. و همه دانشمندان آن را به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار تلقی می‌نمایند. ولی افراد شرور آن را جنجال برانگیز معرفی می‌کنند. که لازم است جلو آنان گرفته شود" (محسنی، ۱۳۸۲، ۳۲). بنابراین نبود درک علمی درست از منابع دینی و سوء استفاده شهرت طلبان و عالم نماهای کوتاه نظر از موانع تقریب مذاهب اسلامی است.

۱-۲. جهالت و تعصب مذهبی

جهالت و تعصب خام مذهبی دومین مانع تقریب مذاهب اسلامی در اندیشه آیت الله محسنی است. وی جهالت و نادانی نسبت به تعالیم اسلامی و معتقدات دینی را عامل تعصب منفی و لجاجت مذهبی عنوان می‌کند. تعصب مذهبی معلول خامی و ناآگاهی از آموزه‌های دینی و فتاوی و نظریات فقهی دیگر مذاهب اسلامی است. جهالت مذهبی باعث افراط‌گرایی و عدول از مسیر عقلانی و اعتدالی است. افراط‌گرایی مذهبی که خود معلول جهل و نادانی است، باعث نفی دیگران و تکفیر پیروان مذاهب اسلامی است. این امر زمینه‌های تقریب را از بین برده و از ایجاد هر نوع تعامل مذهبی جلوگیری می‌نماید. به گفته آیت الله محسنی «تکفیری‌ها واقعاً به امت اسلامی و جهان اسلام خیانت می‌کنند. به اندک اختلاف نظری میلیون‌ها مسلمان را تکفیر می‌کنند و چنانچه هر دسته، مخالفین نظر خود را تکفیر کنند و مسلمانان به تکفیر همدیگر مشغول شوند، چه بدبختی‌ای دامن‌گیر جهان اسلام می‌شود و به چه سرعت دشمنان اسلام بر همه مسلمانان مسلط می‌گردند و دین اسلام را از بین می‌برند» (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۵۵). «افراط‌کاری این دسته، ضرر زیادی به جهان اسلام رسانیده و حتی عظمت دین اسلام را زیر سؤال برد، اینان کارخانه تولید شرک درست کردند و مسلمانان بهتر و مؤمن‌تر و با تقوی‌تر از خود را جهلا و یا عنادا و تعصب، به کفر نسبت دادند و هر کس دیگری را به کفر نسبت دهد که مستحق آن نبوده کفر به خودش برمی‌گردد. به باور آیت الله محسنی افراط‌گرایان هم خطر برای اسلام است و هم مسلمانان بخصوص زمانی که نادانی و جهالت ایشان باعث می‌شود که در استخدام دولت‌های خارجی قرار گیرند، این امر پیامدهای زیانباری را متوجه وحدت و همبستگی اسلامی می‌سازد (محسنی، ۱۳۹۱، ۲۶. به باور آیت الله محسنی جهالت و تعصبات مذهبی باعث ریختن خون انسان‌های مظلوم و مسلمان گردیده و ضمن ایجاد بدبینی میان مذاهب اسلامی، زمینه‌ساز مداخلات خارجی است. مذهبیون نادان و متعصب هم چون ابزار دست‌های آلوده دشمنان اسلام عمل نموده و باعث ایجاد ذهنیت منفی در میان پیروان مذاهب اسلامی نسبت به هم دیگر می‌شود. هیچ عاملی مانند تعصبات مذهبی به جهان اسلام ضرر رسانیده و در هر عصر خون زیادی در این راه در اثر نادانی و جهالت که علت اصلی تعصبات است و یا در اثر مداخله خارجی‌های مفسد ریخته شده که واقعاً

وحشتناک است این مصیبت تنها بجهان اسلام اختصاص ندارد که در مذاهب سائرادیان نیز تاکنون جریان دارد اتفاقاً بسیاری از متعصبین مذهبی جنبه تدین آنان چندان روشن نیست (محسنی، ۱۳۸۰، ۷).

بدین ترتیب جریان افراطگرایی که تفاوت مذهبی و اختلافات فقهی و اجتهادی را مجوزی برای تکفیر و ریختن خون مسلمانان می‌دانند از مصائب دردناک جهان اسلام و امت اسلامی است. این جریان از درون جهالت و عصبیت خام برخی از پیروان مذاهب اسلامی تبارز می‌یابد از موانع جدی تقریب مذاهب اسلامی است. جهل و قشری‌گرایی باعث مطلق‌نگری و تعصبات ناروا در قبال دیگر اعضای امت اسلامی است. جهالت و عصبیت باعث می‌شود که جامعه و افراد جهل زده و متعصب اصول مشترک اسلامی و ارزش‌های مشترک مذاهب اسلامی را نادیده گیرد و بر طبل جدایی مذهبی و حتی خصومت مذهبی بکوبد. در حالی که بر اساس نصوص صریح قرآن و سنت همه‌کسانی که ایمان به مبدأ و معاد و رسالت نبی خاتم دارند و به ضروریات دین اسلام باور دارند مسلمان و از اعضای واحده امت اسلامی بوده و کلیه احکام اسلامی از عبادات، معاملات و غیره بر آن‌ها مترتب است. اما در گفتمان افراطگرایی مذهبی این عده از مسلمانان به راحتی از دایره اسلام خارج و مباح الدم اعلام می‌گردد. این بلیه ویرانگر ضمن آنکه جان و مال و ناموس مسلمانان را زیر پا می‌کند، از مهم‌ترین موانع تقریب مذاهب اسلامی و همبستگی مسلمانان است. در حدیثی از امام صادق ع نقل شده است که فرمود: "اسلام گفتار و کردار ظاهر است، و همین گفتار و کردار است که گروه مردم که عبارت از تمام فرقه‌ها (یعنی مذاهب اسلامی) باشد بر آن است و بر همین اساس خون مردم محفوظ شده، میراث‌ها بر آن تقسیم می‌شود، نکاح جایز می‌شود. هم مسلمانان بر تکالیف الهی مانند؛ نماز، زکات، روزه و حج اجماع نموده و به همین وسیله از کفر خارج شده به ایمان نسبت داده می‌شوند"^۱ (محسنی، ۱۳۸۸، ۹۷).

۱ - والاسلام ما ظهر من قول او فعل وهو الذی علیه جماعة من الناس من الفرق کلها و به حقتن الدماء و علیه جرت الموارث و جاز النکاح و اجتمعوا علی الصلوة و الزکوة و الصوم و الحج فخرجوا بذلك عن الکفر و اضیفوا الی الایمان. به نقل از ایتة الله محسنی، فواید دین در زندگی، ص ۹۷.

۳-۱. دخالت بیگانگان

در اندیشه سیاسی و دینی آیت‌الله محسنی‌عقب‌ماندگی جهان اسلام علاوه بر اینکه معلول جهل و بی‌خبری امت اسلامی است، هم چنان معلول مداخلات ویرانگر قدرت‌های خارجی و کشورهای استعماری است. به باور ایشان اختلاف و نفاق در جهان اسلام و میان امت اسلامی زمینه‌ساز سلطه سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر این کشورها، غارت منابع اقتصادی و ثروت جهان اسلام و در نهایت درماندگی و وابستگی جهان اسلام به نظام سلطه و استعماری است. همبستگی اسلامی و اخوت میان پیروان مذاهب اسلامی زمینه‌های استیلا سیاسی و سلطه اقتصادی جوامع استعماری را برچیده و راه غارت منابع اقتصادی این کشورها توسط غارت‌گران را مسدود می‌سازد. از این روی کشورهای بیگانه و استعمارگر همواره تلاش می‌کنند تا از ایجاد و تشدید تفرقه و نفاق مذهبی در راستای اهداف و منافع استعماری خود استفاده نمایند. ایجاد نفاق مذهبی و تشدید عصبیت مذهبی از ابزارهای نظام سلطه و کشورهای استعماری برای تثبیت و ادامه سلطه سیاسی و اقتصادی‌شان بر جهان اسلام است. بنابراین از دیدگاه‌ها آیت‌الله محسنی سیاست استعماری و مداخلات بیگانگان از مهم‌ترین موانع تقریب مذاهب اسلامی است.

ایشان معتقد است: «عوامل تفرقه و نفاق بسترسازان نفوذ و ورود عوامل خارجی و قدرت‌های سلطه‌گر و استعماری و آتش‌افروزان جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی، بیشتر گروه‌های افراطی و تندروان غالی و نواصب هر دو طرف می‌باشند که بنابراین تکلیف و وظیفه مسلمانان خود به خود مشخص خواهد بود و آن عبارت است از براءت شیعه از غلات و براءت اهل سنت از نواصب و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارند» (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). جریان نفاق و شقاق مذهبی به عنوان دشمن مشترک همه مذاهب اسلامی در دیدگاه آیت‌الله توسط سیاست تطمیع و تزویر کشورهای سلطه‌گر تحقق می‌یابد. «امروز وهابیت با صدها میلیون دلار، به اشکال مختلف تقویت می‌شود. یک نمونه‌اش را شما در عراق می‌بینید که چقدر شیعه کشته می‌شود. وهابیت دشمن شیعه است، ولی فقط دشمن شیعه نیست. اگر نوبت به مذاهب دیگر برسد، نه حنفی‌ها را باقی می‌گذارند و نه شافعی‌ها را و نه مالکی و نه غیر آنان را همه را می‌کوبند

(محسنی، ۱۳۸۶: ۶۲، ۲۰، ۱۰۴ و ...). ایشان هم چنان خطر دشمن مشترک را که کلیت هویت دینی جوانان مسلمان و جهان اسلام را نشانه گرفته مکرر گوشزد نموده، و بر هوشیاری امت اسلامی جهت مقابله با دسیسه‌های دشمن فرامی‌خواند (همان، ۶۲، ۱۰۴). ایشان اختلاف مذهبی را که تفاوت در فتاوی و آرای فقهی عالمان دینی است، امر طبیعی دانسته و این نکته را تأکید می‌کند که اختلاف در فتاوی مذهبی نه تنها در میان مذاهب اسلامی بلکه در میان هر مذهب فقهی وجود دارد و هیچ‌گاه نمی‌تواند باعث جدایی، بدبینی و تکفیر مذهبی گردد. معرفی نفاق و جنگ مذهبی ذیل عنوان "جنگ در تاریکی" بیانگر بی‌بنیاد بودن شقاق و منازعه مذهبی است که معلول بی‌خبری امت اسلامی از احکام و معتقدات اسلامی و توطئه‌های سلطه‌گران و استعمارگران است. تمرکز روی راهکارهای نظری و عملی تقریب مذاهب اسلامی، هوشیاری و بیداری امت اسلامی و ترویج اصول عقاید و مشترکات دینی توسط اندیشمندان مسلمان یگانه راه نجات از این بلیه ویرانگر است.

به باور عالم تقریب‌گرای جهان اسلام، با وجود مشترکات فراوانی که در اصول اعتقادی و منابع دینی وجود دارد جایی برای نزاع و اختلاف مذهبی باقی نمی‌ماند. "ولی آنچه مشکلات را زیاد نموده و حتی عامل خونریزی و بدبختی گردیده، مداخله دو امر دیگر بود؛ امر اول، تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم‌سواد مذهبی به نام ملا، عالم، پیر، مرشد و ... که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ‌های داخلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند و دوم مداخله کشورهای بزرگ به منظور استعمار و استثمار و تضعیف صف داخلی ملت‌ها و استفاده از اختلافات مذهبی، بهترین راه تجربه شده است و حتی خود حکومت‌های اسلامی نیز گاهی برای تحکیم قدرت خود از همین روش استفاده می‌کنند و مذهب را در استخدام سیاست قرار می‌دهند. اسف‌بارترین که این دو امر (جهالت و مداخله دولت‌ها) تنها به بیان اختلاف‌های واقعی مذهبی اکتفا ننموده؛ بلکه تا حد ممکن از دروغ و اتهام و افترا خودداری نکردند و مسلمانان غافل را به جان هم انداختند (محسنی، ۱۳۸۶، ۳۶). بنابراین با وجود معتقدات دینی مشترک، نباید موانع جعلی و بی‌اساس مانع همبستگی اسلامی و اخوت دینی پیروان مذاهب اسلامی گردد. تقویت مشترکات، معذور دانستن

همدیگر در فروع فقهی متفاوت، احترام گذاشتن به فتاوی فقهی عالمان مذاهب اسلامی و جستجوی راه‌های اجتماعی و فرهنگی برای تقویت حس اعتماد متقابل و جلوگیری از توهین به همدیگر می‌تواند به عنوان راهکارهای تحقق عینی تقریب مذهبی حائز اهمیت باشد.

۲- راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی

هرچند تقریب مذهبی و وحدت امت اسلامی امر ضروری و از دستورات اکید اسلام است و در قرآن و سنت مورد تأکید قرار گرفته است، اما با توجه به عدم آگاهی توده‌های مردم، بهره‌برداری ملاحی کم‌سواد و متعصب و مداخلات ویرانگر استعمارگران تحقق این ایده مهم با دشواری‌های روبرو می‌باشد. به گفته آیت‌الله محسنی «اتحاد مسلمانان جهان از یک طرف از ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین پایه‌های تکامل و ترقی و استقلال و عزت دین و دنیای مسلمانان است ولی از طرف دیگر از سخت‌ترین و مشکل‌ترین و پیچیده‌ترین و پرمشقت‌ترین کارها» (محسنی، ۱۳۷۱: ۲۰۵). بنابراین تلاش برای تحقق این ایده قرآنی رسالت سنگین همه امت اسلامی به ویژه عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان است. در این راستا جستجو برای راهکارهای علمی و عملی جهت تحقق این مهم امر ضروری است که در اندیشه فقیه تقریب‌گرایی امت اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

بحث راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی در واقع نظریه‌پردازی در راستای تقریب است که توسط اندیشمندان تقریبی صورت گرفته است. با توجه به موانع و چالش‌های عملی تقریب مذاهب اسلامی راهکارهای پیشنهادی را نیز می‌توان متناظر با موانع و چالش‌های مذکور مطرح کرد. اما هر نوع راهکار عملی مبتنی بر زمینه و بستر نظری و تئوریک مساعد است که تمهیدات نظری لازم را برای تقریب مذهبی فراهم می‌سازد. پذیرش اصل اشتراک امت اسلامی در اصول و باورهای بنیادین، احترام به دیدگاه‌های فقهی و مذاهب اجتهادی متنوع و مهم‌تر از همه اجتناب از مطلق‌نگری و انحصار حقیقت مهم‌ترین زیرساخت‌های نظری تقریب مذهبی است. باور و اعتقاد نظری به مسلمان بودن شیعه و سنی سنگ زیرین هر نوع اقدام عملی برای تقریب مذهبی است و در غیر این هر نوع تلاش برای تقریب مذهبی با بن بست و امتناع روبرو خواهد گشت. بنابراین بستر نظری

لازم و مساعد برای اندیشه تقریبی همانا باور به هویت مشترک دینی و اسلامی شیعه و سنی است. تمام کسانی که به خدا و روز قیامت و نبوت و خاتمیت حضرت پیامبر اسلامی و سایر مضامین کتاب خدا و سنت سید المرسلین ایمان داشته باشند، مسلمان هستند و مال و جانشان دارای حرمت و احترام می باشد (محسنی، ۱۳۸۳، ۱۶۷).

تلاش نظری برای معرفی اسلام راستین بر محوریت اصول اعتقادی مشترک گام نخست و اساسی برای تقریب مذاهب اسلامی است. این امر نیازمند شناخت دقیق شریعت اسلامی است و از طریق این شناخت پیروان مذاهب اسلامی به نقاط اشتراک اصول اعتقادی که از عناصر مهم و ارکان مسلمانی است پی می برند. هم چنین با درک و شناخت علمی و منطقی دین اسلام پیروان مذاهب اسلامی به طبیعی بودن تفاوت فتاوی مذهبی آشنا گردیده و این تفاوت را به عنوان یک امر طبیعی تلقی نموده در برابر آن حساسیت منفی نشان نخواهند داد. بنابراین علاوه بر اعتقاد و ایمان به مسلمان بودن تمام فرق اسلامی که معتقد به اصول سه گانه دین اسلام هستند، در عمل نیز ترویج برخی از آموزه های اسلامی راهکار مناسب برای تقریب مذهبی است. در بخش نظری تبیین تفکر و اندیشه اعتدالی و اجتناب از افراط و تفریط، احترام به باورهای مختلف مذهبی، تبیین و ترویج اصول اعتقادی و منابع اجتهادی مشترک مهم ترین گام نظری در امر تقریب مذاهب اسلامی است. اما از جانب دیگر برای تقویت اندیشه تقریب برخی اقدامات عملی نیز لازم است که انجام گیرد. به باور آیت الله محسنی ایجاد مراکز علمی مشترک، گسترش مراودات اجتماعی، مشارکت در سرنوشت اجتماعی همدیگر، برگزاری محافل دینی و فرهنگی مشترک برای تجلیل از مناسبت های اسلامی، تشکیل شوراهای فرهنگی و مذهبی مشترک برای تبلیغ اصول اعتقادی اسلام، اخلاق و ارزش های اسلامی از جمله راهکارهای عملی برای ایجاد و تقویت تقریب مذاهب اسلامی است (آیت الله محسنی، ۱۳۸۶، ۱۱۰).

۲-۱. تبیین اسلام اعتدالی

قران کریم اسلام را دین وسط و اعتدالی معرفی می کند. "تعبیر جالبی در اینجا قرآن در باره امت اسلامی کرده است، آن ها را يك امت میانه و معتدل نامیده است. معتدل از نظر عقیده "که نه راه" غلو" را می پیمایند و نه راه "تقصیر و شرك"، نه طرفدار "جبراند" و نه

تفویض"، نه درباره صفات خدا معتقد به "تشبیه اند" و نه "تعطیل". معتدل از نظر ارزش‌های معنوی و مادی، نه به کلی در جهان ماده فرو می‌روند که معنویت به فراموشی سپرده شود، و نه آن‌چنان در عالم معنی فرو می‌روند که از جهان ماده به کلی بی‌خبر گردند، نه همچون گروه عظیمی از یهود جز گرایش مادی چیزی را نشناسند و نه همچون راهبان مسیحی به کلی ترك دنیا گویند (مکارم شیرازی، ج ۲۸، ۴۸۸).^۱ به باور برخی از مفسرین وسطیت به معنای اعتدال در مواجهه با امور مادی و معنوی است. به گفته رشید رضا اعتدال به معنای جمع میان دین و دنیا، نیازهای مادی و معنوی و برنامه‌ریزی برای ترقی و کمال معنوی و مادی انسان است.^۲ به گفته صاحب‌المیزان وسطیت به معنای اعتدال و عدالت است. عدالت معیار اجتناب از افراط و تفریط و خود تمثیل‌کننده وسطیت و اعتدال می‌باشد.

به باور آیت‌الله محسنی افراط و تفریط باعث غلور در مذهب خود و تشدید تعصب مذهبی نسبت به دیگر مذاهب اسلامی می‌گردد. به باور ایشان «میان افراط و تفریط رابطه مستقیم برقرار است. به هر اندازه که انسان درباره مذهب خود غلو کند، به همان مقدار نسبت به مذاهب دیگر و پیروان آنان تعصب به خرج می‌دهد. متعصبان هم خود باطنی پر از کینه و دشمنی دارند و هم تکثیرکنندگان عداوت و تفرقه میان مردم اند (محسنی، ۱۳۹۴، ۲۶). با توجه به این رویکرد ویرانگر ترویج اندیشه اعتدالی و نقد علمی و دینی پدیده افراط‌گرایی و جلوگیری از غلوراهکاری است که باید مورد توجه قرار گیرد. وی در همین راستا پیروان مذاهب اسلامی را به اجتناب از غلور در امر مذهبی اعلام بیزارگی از جریان‌های افراطی که نقش ویرانگر در ایجاد مناسبات نیک و برادرانه مذهبی دارد، فرا می‌خواند. به گفته ایشان "برائت شیعه از غلات، و برائت اهل سنت از نواصب، از راهکارهای تقریب مذاهب اسلامی است. تا وجود این دو طایفه باعث اشتباه برادران مسلمان شیعه و سنی نشود و همه باید بدانیم که غلو و ناصبی‌گری در اسلام مشروعیتی ندارد" (محسنی، ۱۳۸۶، ۱۰۹). ایجاد مدارس دینی و مراکز علمی مشترک که دانشجویان و محصلان علوم اسلامی شیعه و سنی به درک و شناخت علمی متقابل از محتوا و ماهیت

۱ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دارالکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش. ص ۴۸۸.

۲ محمد رشید رضا ذیل تفسیر آیه ۱۴۳ سوره بقره که می‌فرماید و کذلک جعلناکم امته وسطا، می‌فرماید وسطیت به معنای اعتدال و میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط و جمع میان امور دینی و دنیوی است.

اصول اعتقادی مشترک مذاهب اسلامی دست یابند و نسبت به تفاوت فتاوی اجتهادی رهبران و پیشوایان مذاهب اسلامی آشنا شود، امر مهم در ترویج اندیشه تقریبی است. این امر خود تعصبات ناروای مذهبی را که ریشه در ناآگاهی و عدم شناخت مذاهب اسلامی از همدیگر دارد، از بین برده و در عمل برای ترویج اندیشه تقریبی مساعدت می‌کند.

آیت الله محسنی تعصب را به عنوان مانع مهم همگرایی تذکر داده و مسلمانان را از افتادن در این دام خطرناک بر حذر می‌دارد. به باور ایشان تعصب و جهالت رابطه متقابل با همدیگر داشته و به صورت توأمان نقش منفی را در همبستگی اسلامی ایفاء می‌کند. تبیین علمی و منطقی تعالیم اسلامی و آگاهی عمومی جامعه نسبت به آموزه‌های راه حل اساسی برای زدودن غبار تاریک جهل و تعصبات مذهبی است. به گفته ایشان «راه حل اساسی و اصولی، در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت‌های قومی و نژادی، گردآمدن بر حور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به جای اصالت دادن به فرع است» (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲). تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم‌سواد که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ‌های دخیلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند (همان: ۱۰۳، ۶۸، ۳۷).

به باور آیت الله محسنی تبیین علمی و درک واقع بینانه از شریعت اسلامی مهم‌ترین راهکار نظری برای تقویت اندیشه تقریبی است. درک جامع و عقلانی از شریعت اسلامی و مصادر دینی به خوبی روشن می‌سازد که مذاهب اسلامی صرفاً تفاوت نظر فقهای مسلمان و عالمان دینی در استنباط احکام الهی از قرآن و سنت است. به گفته شیخ محمود شلتوت اسلام بر هیچ‌کس از پیروان خود واجب ننموده که از مذهب خاص پیروی نماید. مذهب جعفری مشهور به مذهب شیعه اثناعشری از جمله مذاهبی است که مانند مذاهب اهل سنت شرعاً می‌توان از آن تقلید کرد (محسنی، ۱۳۷۸؛ ۲۰). فهم نقاط اشتراک و شناخت علمی نسبت به همدیگر باعث از بین رفتن سوء تفاهمات و از بین رفتن بدبینی‌ها می‌گردد. به گفته آیت الله محسنی "دوستی بین پیروان مذاهب اسلامی و سپس همکاری مخلصانه‌ی آنان به وسیله شعارها و تبادل کلمات ادبی، به طور اساسی صورت نخواهد گرفت، بلکه لازم است همدیگر را به طور اصولی بشناسند و عقاید و آرای همدیگر را به طور واضح دریابند تا قناعت قلبی‌شان به مشترکات دینی و اسلامی بین هر دو

برادر مسلمان حاصل گردد و بدانند که مسائل مورد اختلاف آنان فرعی و ناچیز است" (محسنی، ۱۳۸۱، ۲).

۲-۲. تأکید بر اصول مشترک

امت اسلامی هم چنانکه در اصول اعتقادی مشترک هستند، در منابع و مصادر شریعت قرآن و سنت نیز باهم اشتراک دارند. آیت الله محسنی در زمینه مشترکات اسلامی می‌فرماید: «بیاپید قطعیات را بگیریم و بحث در باره مشکوکات را رها کنیم. این کار بی‌خودی است. اصول کلی تمام مسلمانان یکی است. به زور مسلمانان را از هم جدا نکنیم. اصول کلی مسلمانان یکی است. به همان اصول مشترک اسلامی توحید، نبوت و معاد اکتفا کنیم و در همین مشترکات همکاری کنیم» (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۴). در گفتمان تقریبی آیت الله محسنی مشترکات امت اسلامی از نظر کمی و کیفی بر تفاوت‌ها ترجیح دارد. از نظر کیفی مشترکات ناظر به اصول اعتقادی و غیرقابل اغماض است، و از نظر کمی نیز موارد اشتراک به مراتب بیشتر از موارد تفاوت‌های فرعی است. می‌گوید: «مشترکات شیعه و اهل سنت بسیار فراوان و اختلافات آنان بسیار ناچیز است. خدای واحد، پیامبر مشترک، قرآن واحد، اعتقاد به نبوت انبیای سلف و روز قیامت و... از اصول اعتقادی مشترک مسلمانان است (محسنی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۱). به باور ایشان نقاط اشتراک بین شیعه و سنی در مورد اصول عقاید ۴۰ مورد و در فروع دین ۱۹ مورد است. تنها نه مورد از مواردی اختلافی است که همه از فروع دین و صد درصد قابل حل و فصل است (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۸-۴۲).

با توجه به مشترکات اعتقادی شیعه و سنی برادران مسلمان و دارای هویت اعتقادی مشترک هستند. تفاوت مذاهب فقهی و برداشت‌های متفاوت از شریعت اسلامی که همگی در راستای پیروی از قرآن و سنت نبوی و محبت اهل بیت و صحابه نبی گرامی اسلام است نمی‌تواند این هویت مشترک را آسیب رساند. احترام اهل بیت توسط شیعیان و احترام صحابه در اندیشه اهل سنت هر دو در واقع به یک سرچشمه باز می‌گردد. هر دو به خاطر انتساب به نبی گرامی اسلام و تعظیم آن حضرت صورت می‌گیرد. سنی اگر اصحاب را احترام می‌کند احترام خود حضرت پیغمبر است اگر شیعه ائمه اهل بیت را تعظیم می‌کند

تعظیم خود آن حضرت است. و نباید که تحاسد و تباغضی واقع شود. به باور آیت الله محسنی تعصب مانع مهم همبستگی مذاهب اسلامی است. راه حل اساسی این معضل همانا ارتقای سطح آگاهی دینی پیروان مذاهب اسلامی است. «راه حل اساسی و اصولی، در آگاهی دادن مسلمانان، رفع تعصب و عصبیت های قومی و نژادی، گردآمدن بر محور و حول مصالح و منافع امت اسلامی و حفظ اصل اسلام به جای اصالت دادن به فرع است» (محسنی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲). تعصبات خشک و احمقانه عوام و رهبران کم سواد که اختلافات جزئی مذهبی را بزرگ جلوه داده و سبب عداوت و بدبینی و حتی جنگ های داخلی شده و روزگار مسلمانان را به تباهی کشاندند (همان: ۱۰۳، ۶۸، ۳۷). بدین ترتیب آگاهی امت اسلامی از مشترکات مذاهب اسلامی گام مهمی برای تقریب مذاهب اسلامی است. با درک عمیق از این مشترکات همه پیروان مذاهب اسلامی به این نکته قانع می شوند که تفاوت های فرعی و مذهبی نمی تواند و نباید باعث جدایی آنان گردد زیرا به گفته آیت الله محسنی «اگر معنای تسنن و سنی گری متابعت سنت پیغمبر باشد که تمام شیعه سنی هستند و کسی که پیرو سنت آن حضرت نباشد کافر است! و اگر معنای تشیع محبت ائمه عترت و پیروی آن ها باشد باید تمام سنی ها شیعه باشند؛ زیرا محبت علی (ع) و اولاد آن حضرت بر همه لازم است، جمعی از علمای اهل سنت بر وجوب آن ادعای اجماع کردند. پس شیعه سنی است و سنی شیعه» (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

۲-۳. راهکار عملی

راهکارهای علمی به منظور ایجاد بستر اجتماعی مناسب برای همبستگی اسلامی پیروان مذاهب اسلامی ضروری اما ناکافی است. برای ایجاد و گسترش تقریب مذاهب اسلامی باید هم زمان روی تحقق دو شرط لازم و کافی تمرکز صورت گیرد. شرط لازم همانا شناخت علمی و درست از اسلام راستین، اصول اعتقادی مشترک مذاهب اسلامی و منابع و مصادر اجتهادی مشترک رهبران مذاهب اسلامی است. اما شرط کافی این است که در مرحله عملی نیز گام های عملی در این راستا برداشته شود. به گفته آیت الله محسنی صرف مطرح کردن مسئله تقریب و تأکید بر ضرورت و اهمیت تقریب مذاهب اسلامی کافی نیست، بلکه علاوه بر این باید در این راستا گام های عملی برداشته شود. ایشان

مجموعه‌ای از اقدامات عملی را در محورهای ذیل بیان می‌کند.

۱-۳-۲. مرادوات اجتماعی

روابط اجتماعی باعث شناخت متقابل و در نتیجه ایجاد فضای اعتماد، همدلی و هم‌پذیری است. گسترش روابط اجتماعی میان پیروان مذاهب اسلامی و ایجاد مرادوات اجتماعی گسترده علاوه بر اینکه سوء تفاهم را مرتفع، مشترکات را آشکارتر و تفاوت‌ها را غیر مهم جلوه می‌دهد، از جانب دیگر روحیه تعاون، همکاری و هم‌سرنوشتی در مناسبات اجتماعی را افزایش می‌دهد. به گفته آیت الله محسنی برای عبور از تعصبات ملاهای کم‌سواد که به نام دین در پی رسیدن به ثروت و شهرت هستند کار سخت و نفس‌گیر و دشوار است. این مهم جز از طریق افزایش آگاهی توده‌های مردم مهار نخواهد شد. بنابراین به جای صرف وقت در این محور لازم است به تقویت همبستگی در میان توده‌های مردم و جوانان شیعه و سنی بیشتر توجه صورت گیرد. "در بعد عملی باید با همدیگر رفت و آمد داشته باشیم. هم مذاکرات اجتماعی و هم مفاهیم علمی داشته باشیم و این کار خوبی است؛ البته ممکن است نتایجش زودرس نباشد؛ ولی در درازمدت حتماً ثمراتی خواهد داشت (محسنی، ۱۳۸۶، ۱۰۹). جوانان شیعه و سنی نسبت به تعالیم و آموزه‌های مذهبی همدیگر باعث از بین رفتن سوء تفاهمات می‌گردد. از این جهت لازم است تا مراکز علمی و مدارس علمی مشترک ایجاد شود تا جوانان سنی هم عقاید شیعه را بخوانند و جوانان شیعه نیز نسبت به عقاید مذهبی اهل سنت آشنا شوند. یکی از بزرگ‌ترین اسباب وحدت ملی شناخت درست شیعه و سنی از همدیگر است. تا این دو دسته از مسلمانان کشور در تاریکی به نزاع و بدبینی پردازند. و با صمیمیت و برادری در بازسازی کشور و ترویج اسلام باهم همکاری نمایند (محسنی، ۱۳۸۲، ۸).

۲-۳-۲. ایجاد مراکز علمی و دینی مشترک

مراکز علمی و دینی نقش مهمی در ایجاد و تقویت همبستگی دینی و اخوت اسلامی دارد. ایجاد دانشگاه و مدارس علوم دینی موجب می‌شود ایجاد شناخت علمی متقابل جوانان شیعه و سنی نسبت به مذاهب اسلامی و نسبت به باورهای مذهبی همدیگر می‌شود. این امر خود زمینه‌های همدلی و همسوی اجتماعی را فراهم نموده و به تقویت هویت اسلامی

جوانان مسلمان می‌انجامد. جوانان مسلمان در این مراکز عملاً به مشترکات مهم اعتقادی، اصول دین، منابع و میراث ارزشمند نبی گرامی اسلام، مودت به ذی القربی و محبت اهل‌البیت رسول‌الله و احترام به صحابه کرام باور مند می‌شوند. قشر تحصیل کرده شیعه و سنی در این مراکز ضمن شناخت مشترکات دینی به تفاوت در فروع اجتهادی و فقهی آشنا می‌شوند. در اندیشه آیت‌الله محسنی ایجاد این مراکز نقش مهمی در شناخت متقابل جوانان شیعه و سنی داشته و زمینه‌های تقریب مذهبی، رفع سوء تفاهمات و نیز همکاری در مشترکات اعتقادی و معذرت در تفاوت فروع فقهی را فراهم می‌سازد. در این مراکز علمی جوانان به این امر باورمند می‌شوند که نباید به زور مسلمانان را از هم جدا نکنیم. به همان اصول مشترک اسلامی توحید، نبوت و معاد اکتفا کنیم و در همین مشترکات همکاری کنیم و در فروع اصول و فروع فقهی که اختلاف داریم، همدیگر را معذور بدانیم. ممکن است که من نظریه شما را قبول نکنم و آن را غلط بدانم، اما می‌گویم این آقا به وظیفه شرعی خود عمل کرده است، معذور است و مستحق جنگ و دشمنی نیست. اگر به این نکته معقول قرآنی و منطقی برسیم، انشاء الله مشکلات حل می‌شود (محسنی، ۱۳۸۶، ۱۰۵).

به باور ایشان از میان راهکارهای مطرح ایجاد مدارس علوم دینی و مراکز علمی از اهمیت جدی برخوردار بوده و نقش مهمی در ایجاد تقریب مذاهب اسلامی دارد. "تشکیل مدارس دینی مختلط از پیروان مذاهب متعدد؛ مانند مذاهب اربعه و غیر آن‌ها و مذاهب شیعه (امامیه و زیدیه) و مذهب اباضیه و مذاهب کلامی شیعه و اشعری و معتزلی و ماتریدی و غیر آن‌ها. در هر شهری که مثلاً، پیروان دو سه مذهب وجود داشته باشند. امید است در هر جایی که پیروان دو مذهب یا بیشتر وجود داشته باشد، این کار عملی شود که اساسی‌ترین عامل تقریب است؛ زیرا اولاً، شاگردان بین خود انس پیدا می‌کنند. ثانیاً، قلباً قانع می‌شوند، زیرا اختلافات مذهبی در جنب مشترکات دینی ناچیز است. ثالثاً، پس از چند سال در موقعی که مشغول ارشاد جامعه هستند، می‌توانند، پیروان خود را به تقریب سوق دهند" (همان، ۱۰۹).

۳-۲-۳. احترام به مذاهب اسلامی

شعائر اسلامی و مذهبی نقش مهمی در ترویج تقریب مذاهب اسلامی، همبستگی دینی و تعاون اجتماعی دارد. حرمت گذاشتن به باورهای مذهبی، احترام به پیشوایان مذاهب اسلامی و اجتناب از هر نوع رفتار و اقدامی که موجب اهانت به پیشوایان دینی، وهن مذاهب اسلامی و تحریک عواطف و احساسات مذهبی دیگران شود، اقدام زیان بار علیه تقریب مذاهب و اخوت اسلامی است. به باور آیت الله محسنی توهین به پیشوایان مذاهب اسلامی، تحریک عواطف و احساسات مذهبی و بی احترامی نسبت رهبران مذاهب اسلامی، امر غیر مشروع و ناروا بوده و جواز ندارد. به باور آیت الله محسنی توهین و لعن پیشوایان دینی و خلفای اسلامی امر غیر مشروع و حرام است و باید جدا از آن جلوگیری شود. به گفته ایشان در کتب روایی معتبر و در کلیه رساله های عملیه فقهای شیعی نه تنها چنین چیزی وجود ندارد بلکه فتاوی صریح بر حرمت آن توسط فقهای شیعی مطرح گردیده است (محسنی، ۱۳۸۲، ۳۴).

احترام گذاشتن به فتاوی مذهبی همدیگر نقش مهمی در توسعه و گسترش اندیشه تقریبی دارد. اگر قرار نیست که شیعه به فتاوی امام ابوحنیفه عمل کند و اهل سنت نیز به نظریات و فتاوی فقهی امام صادق عمل نمی کنند، چرا باید تفاوت در آرای فقهی رهبران مذهبی شیعه و سنی باعث بدبینی و بی احترامی به آنان باشد؟ آیت الله محسنی در این زمینه معتقد است که "هیچ گاه شیعه به فتاوی امام ابوحنیفه عمل نخواهد کرد و سنیان نیز به نظر امام صادق (ع) عمل نمی کنند، ولی احترام امام صادق (ع) و ابوحنیفه به عنوان پیشوای میلیون ها مسلمان باید مسلم باشد (همان، ۴۸؛ محسنی، ۱۳۹۴).

۴-۳-۲. ترویج احادیث مشترک

چاپ و نشر کتب احادیث مشترک شیعه و سنی، ترویج احادیث مشترک و جلوگیری از نشر احادیث جعلی از راهکارهای مهم تقریب مذاهب اسلامی و تقویت همبستگی دینی است. عالمان دینی در این رابطه نقش مهم و اساسی دارند. اینان باید از پخش و نشر احادیث جعلی که بذر نفاق و جدایی میان پیروان مذاهب اسلامی می کارد و باعث تشدید بدبینی و ایجاد نفرت میان شیعه و سنی می گردد، جلوگیری نمایند. از جانب دیگر

نشرو گسترش احادیث و روایاتی مشترک که امت اسلامی را بر محوریت اصول اعتقادی مشترک، قرآن و سنت، محبت و مودت اهل بیت رسول خدا و صحابه کرام به عنوان اعضای پیکره واحد امت اسلامی نامیده و آنان را به وحدت و همبستگی فرامی خواند باید مورد توجه قرار گیرد. قرآن به عنوان کلام خداوند نزد همه مسلمانان از قداست و احترام خاص برخوردار است. ایمان به نبوت و خاتمیت و محبت اهل بیت رسول خدا نزد امر جماعی میان همه مسلمانان است و در این مورد روایات متعددی از علمای شیعه و سنی نقل شده است (محسنی، ۱۳۸۶، ۷۲). اصول اسلامی مبنای تمام مذاهب اسلامی است. در توحید، نبوت و معاد همه باهم متحدند؛ سنی‌ها و شیعه‌ها، همه آن‌ها را قبول دارند. اگرچه در فروع اعتقادی اختلاف وجود دارد، در فقه اختلاف وجود دارد، ولی این‌ها باعث تکفیر نمی‌شود (همان، ۲۲). نشرو گسترش احادیث مشترک در مورد اصول اعتقادی اسلام، مرجعیت قرآن خدا و سنت رسول خدا در استنباط احکام شرعی، محبت اهل بیت رسول الله و پیروی از رسول خدا، احترام به صحابه کرام، حرمت گذاشتن به دیدگاه‌های اجتهادی فقهای مسلمان، در تحکیم روحیه اخوت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی نقش مهمی دارد که باید مورد توجه عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان قرار گیرد.

۵-۳-۲. ترویج اخلاق اسلامی

مجموع تعالیم اسلامی در سه بخش عقاید، فقه و اخلاق معرفی گردیده است. در مباحث اعتقادی گاه برخی تفاوت میان مذاهب اسلامی وجود دارد، اما در اصول اعتقادی تفاوتی وجود ندارد. همه پیروان مذاهب اسلامی سه اصل اعتقادی توحید، نبوت و معاد را از ارکان دین اسلام دانسته و هر فرد با اعتقاد قلبی و التزام عملی به ضروریات این دین اسمانی مسلمان تلقی می‌گردد. اما در فقه که با فتاوی و آرای اجتهادی پیشوایان مذاهب اسلامی سروکار داریم، تفاوت در آراء و نظریات وجود دارد که امر طبیعی است. در بخش اخلاق که بیشتر روی ارزش‌های انسانی استوار است، تفاوت جدی میان مذاهب اسلامی به چشم نمی‌خورد. برخورد نیک با دیگران، اجتناب از توهین دیگران، حرمت گذاشتن به دیدگاه و نظریات مخالف، دستگیری از مظلومان و بی‌نویان، مبارزه با ستم و تبعیض از دستورات

دینی و اخلاق اسلامی است که همه پیروان مذاهب اسلامی به آن التزام دارند. ترویج ارزش‌های اخلاقی نظیر صداقت، عفت کلام، احترام گذاشتن به دیگران، وفای به عهد از اموری است که باعث زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز و توأم با اعتماد اجتماعی است. ترویج این ارزش‌های مشترک خلیات مشترک و باورهای اخلاقی مشترک را در جامعه ایجاد نموده و به تقویت همبستگی اسلامی و اخوت دینی می‌انجامد. اگر پیروان مذاهب اسلامی به اخلاق اسلامی ملتزم باشند، حتی در مواردی که دیدگاه و رفتار دیگران مطابق میل و خواست او نیست به حکم دستورات اخلاقی اسلامی از تحقیر و بدگویی اجتناب می‌کند (محسنی، ۱۳۸۲، ۸).

نتیجه‌گیری

بحث تقریب مذاهب اسلامی، به ویژه طرح موانع تقریب و ارائه راهکارهای عملی برای تحقق این مهم بخشی مهمی از اندیشه‌های دینی و سیاسی آیت‌الله محسنی را به خود اختصاص داده است. از دیدگاه آیت‌الله محسنی با وجود مشترکات اعتقادی و اصولی تفاوت در نظریات فقهی هیچ‌گاه نمی‌تواند باعث جدایی، بدبینی و نفاق میان پیروان مذاهب اسلامی گردد. آیت‌الله محسنی ضمن تأکید بر ضرورت تقریب مذاهب اسلامی، برداشتن گام عملی در این زمینه را رسالت مهم عالمان دینی و امت اسلامی می‌داند. به باور ایشان ناآگاهی و جهالت مذهبی، تعصبات خام و کورکورانه، شهرت‌طلبی و سودجویی ملاحی کم سواد یا بی‌سواد و مداخلات نفاق‌افکنانه کشورهای استعماری از مهم‌ترین موانع تقریب مذاهب اسلامی است. به موزات موانع یاد شده ایشان راهکارهای عملی تقریب مذهبی را در دو محور نظری و عملی ارائه می‌کند. در بعد نظری شناخت جامع و کامل شریعت اسلامی، فهم و درک درست مشترکات دینی و معذور دانستن همدیگر در فروع مذاهب متفاوت مورد توجه قرار می‌گیرد. در بعد عملی نیز گسترش مراودات اجتماعی، احترام به رهبران مذاهب اسلامی، ایجاد مراکز دینی و مدارس دینی مشترک، برگزاری جلسات علمی و اجلاس‌های علمی مشترک، نشر احادیث مشترک و ترویج ارزش‌ها و باورهای اخلاقی مشترک برای تقویت ذهنیت مثبت و تقریب مذهبی می‌تواند مؤثر باشد. امید است عالمان دینی و اندیشمندان مسلمان با درک شرایط حساس

جهان اسلام و کشور اسلامی افغانستان، با الهام از اندیشه‌های الهی و ماندگار فقیه مجاهد کشور گام‌های بلندی را برای گسترش اندیشه تقریب مذاهب اسلامی و تحکیم پایه‌های اخوت اسلامی در کشور بردارند تا شاهد اعتلای کلمه الله و عزت امت اسلامی در کشور باشیم.

منابع

۱. محمد آصف محسنی، راه ترقی ما، کابل، مطبوعه چهاردهی، ۱۳۸۰.
۲. _____، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، تهران، نشر ادیان، ۱۳۸۷.
۳. _____، جنگ در تاریکی (شیعه و سنی چه فرقی دارند؟)، مرکز الأبحاث العقائدية - قم - ایران، چاپ: ۳، ۱۳۸۲.
۴. _____، عدالت صحابه در پرتو قرآن، سنت و تاریخ، بوستان کتاب، ایران، قم، ۱۳۹۴.
۵. _____، تصویری از حکومت اسلامی، ۱۳۷۱، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی افغانستان.
۶. _____، نظریات سیاسی، علمی و اخلاقی، ۱۳۷۲، قم، دفتر فرهنگی حرکت اسلامی افغانستان.
۷. _____، وحده الاسلامیه، قم، طاووس بهشت، ۱۳۷۹.
۸. _____، دین و زندگانی، کابل، مطبوعه بلخ، ۱۳۸۷.
۹. _____، حجت اثنی عشری، ۱۳۸۳، بی جا.
۱۰. _____، فواید دین در زندگانی، کابل، مطبوعه بلخ، ۱۳۸۸.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱، جلد ۲۸.
۱۲. رشید رضا محمد، تفسیر المنار، الهیه المصریه العامه للکتاب، قاهره، ۱۹۹۰.